

تحلیل گفتمان مکتوبات عتبه الکتبه با رویکرد کاربردگرا بر اساس نظریه فرکلاف

رضا حیدری نوری*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۸

دلارام بغدادی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۱۲

چکیده

این مقاله تحلیلی است بر اساس نظریه نورمن فرکلاف در «عتبه الکتبه» با رویکرد کاربردگرا که به بررسی و تجزیه و تحلیل صورت‌های زبانی، اهداف و کارکردهای آن‌ها می‌پردازد. مبنای نظری پژوهش در چارچوب الگوی سه سطحی (لایه‌ای) توصیف، تفسیر و تبیین می‌باشد. در «مکاتیب و ترسلات عتبه الکتبه»، به دلیل ارتباط نزدیک زبان و ساختارهای اجتماعی و تأثیر متن از روابط اجتماعی، ابعاد گفتمانی بسیار برجسته است. در این متن علاوه بر تأثیر روابط قدرت، گزینش‌های زبانی خاص که مختص سبک این دوره است، در فرآیند تولید معنا متمایز می‌شود. هدف از این پژوهش نشان دادن نوع و سبک گفتمان قرن بیستم و نشان دادن قدرت نویسنده (منتجب جوینی) در شکل گفتمان وی است همچنین نگاه متفاوت بر ترسلات و معرفی و تحلیل بنیادی «عتبه الکتبه» از دیگر اهداف این مقاله می‌باشد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است و به شیوه تحلیل محتوای کیفی و استناد به متن مکتوبات و ذکر شواهد مثال بررسی می‌گردد.

کلیدواژگان: سبک شناسی، تحلیل گفتمان، ایدئولوژی، توصیف، تفسیر.

hamzeh.ghaffari@yahoo.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه (استاد).

** دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد ساوه، ساوه، ایران.

delaram.baghdadi@gmail.com

نویسنده مسئول: رضا حیدری نوری

مقدمه

کتاب «عتبة الکتبة» از منشآت قرن ششم و مجموعه‌ای گرانبها از مکاتیب دیوانی و اخوانی است که به قلم منتجب‌الدین بدیع‌علی بن احمد کاتب جوینی، منشی و رئیس دیوان رسائل سلطان سنجر سلجوقی نگارش یافته است (منتجب جوینی، ۱۳۲۹: ۲). نظریه تحلیل گفتمان که ریشه در زبان‌شناسی دارد و اصطلاح آن در سال ۱۹۵۲ نخستین بار توسط زلیک هریس مطرح شده، از جمله نظریات برجسته ادبی است که امکان خوانشی تازه از متون را فراهم می‌کند. این نظریه توسط فرکلاف، تحت عنوان «تحلیل انتقادی گفتمان» مسیری تازه را در پیش گرفت. فرکلاف در رویکرد انتقادی خود در تلاش برای افشای ایدئولوژی‌های پنهان در متن، مخاطب و زمینه متن و نسبت این سه با یکدیگر است. از این دیدگاه، گفتمان، عملکردی اجتماعی است که طی آن، مناسبات قدرت توسط دانش، هویت‌ها و روابط اجتماعی بازتولید می‌شود و تغییر می‌کند. از این دیدگاه، «گفتمان با «قدرت» و مناسبات آن ارتباط تنگاتنگی دارد. گفتمان در واقع پدید آورنده پرورش‌دهنده، شکل‌دهنده و البته تغییردهنده و حتی منسوخ‌کننده قدرت است» (باقری، ۱۳۹۸: ۱۰). تحلیل انتقادی گفتمان، به تبیین روابط میان گفتمان و قدرت اجتماعی می‌پردازد. نورمن فرکلاف از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان در این حوزه به شمار می‌رود. وی تحلیل انتقادی گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مد نظر قرار می‌دهد. وی در طرح الگوی خود سه روش و سنت تحلیلی را ترکیب کرده است که عبارت‌اند از ۱. تحلیل فراگیر متن در میان بافت زبان‌شناسی (دستور زبان کاربردی هالیدی)؛ ۲. تحلیل عمل اجتماعی در زمینه کلان (نظریه فوکو)؛ ۳. تحلیل عمل اجتماعی در زمینه خرد (تحلیل مکالمه) (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۷). در این متن علاوه بر تأثیر روابط قدرت، گزینش‌های زبانی خاص که مختص سبک این دوره است، در فرآیند تولید معنا متمایز می‌شود.

اهمیت و نقش سبک «عتبة الکتبة» در شکل‌گیری ترسلات و مکاتیب قرن ششم و همچنین توجه بیش‌تر به کارکردهای زبانی و ایدئولوژیکی این متن، عامل مؤثر در انتخاب و بررسی تحلیلی این متن با تکیه بر تحلیل گفتمان و نظریه فرکلاف با رویکرد کاربردگرا است.

- هدف از این پژوهش، دستیابی به پاسخ پرسش‌های زیر است:
- در نمونه مورد بررسی، نوع گفتمان غالب در «عتبه الکتبه» از چه نوعی است؟
 - در حوزه تفسیر و تبیین، روابط قدرت چه تأثیری بر گزینش‌های زبانی حاکم بر متن، به جا گذاشته است؟
 - در حوزه توصیف، آیا روابط بیرونی و درونی ساختار زبانی، بیانگر روابط اجتماعی و قدرت ایدئولوژیکی است و بر گزینش‌های زبانی مؤثر است؟
 - گفتمان‌ها در بازتولید و تغییر ساختارهای متن چه تأثیراتی دارند؟
- روش تحقیق و پژوهش ما در این مقاله اسنادی- کتابخانه بر پایه تحلیل کیفی است. جامعه آماری و محدوده مطالعاتی این تحقیق، تعدادی از رسایل و مکاتیب منتجب جوینی است که به طور تصادفی انتخاب شده و بر اساس رویکرد کاربردگرا در نظریه فرکلاف به گزینش و بررسی آن‌ها پرداخته‌ایم.

پیشینه تحقیق

پیشینه اولیه تحقیقات تحلیل گفتمان انتقادی به دنیای غرب برمی‌گردد. مقاله‌ها و کتاب‌های فراوانی در این خصوص نوشته شده است. مشهورترین نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان انتقادی با رویکردهای مختلف عبارتند از فاولر (Fowler)، فرکلاف (Fairclough)، وردانک (Verdonk)، ون‌دایک (Van Dijk)، کرس (Kress)، ون لیوون (Van Leeuwen) و ریچارسون (Richardson)، که از تحقیقات مهم و تأثیرگذار در این حوزه می‌توان به فاولر و دیگران (۱۹۷۹) با عنوان «زبان و کنترل» اشاره کرد. تحقیق فرکلاف (۱۹۸۹) با عنوان «زبان و قدرت» که شاید بتوان آن را به عنوان تأثیرگذارترین منبع یاد کرد، حاوی مطالبی همچون تحلیل گفتمان انتقادی در عمل: سطح توصیف، سطح تفسیر، سطح تبیین و نقش تحلیلگر است.

تحقیق فرکلاف (۱۹۹۵) با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی» حاوی مطالبی همچون زبان و ایدئولوژی، بازنمایی گفتمان در گفتمان متون، اهداف انتقادی و توصیفی در تحلیل گفتمان، گفتمان و متن، تحلیل‌های زبان‌شناختی و بینامتنی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی است و تحقیق دیگر او با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی» (۲۰۱۰) که

در واقع به لحاظ محتوا چاپ دوم کتاب‌های تحلیل گفتمان انتقادی و زبان و قدرت و گفتمان و تغییرات اجتماعی، به همراه بازنگری‌ها و افزوده‌های جدید حاوی ۲۳ مقاله است که در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی در طی ۲۵ سال از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۸ توسط وی نوشته شده است. البته چهار مقاله آن مشترک است. ون دایک کتاب‌ها و مقالات متعددی در این زمینه نوشت که از آن جمله می‌توان به مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی» (۲۰۰۱) اشاره کرد. وارد و جانسون (Ward & Johnson) (۲۰۰۸)، ماریان یورگنسون (Marian yorgenson) و لوییز فیلیپس (Luis Philipps) با کتاب «تحلیل گفتمان و نظریه و روش» (۲۰۰۲) نیز از جمله محققان این حوزه در مجامع علمی غرب به شمار می‌روند. در میان محققان ایرانی که به تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌اند می‌توان از دبیرمقدم (۱۳۷۸)، یارمحمدی (۱۳۸۵، ۱۳۸۷)، آقاگل زاده (۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰) و سلطانی (۱۳۸۷) نام برد. خوانش متون کهن با الگوی فرکلاف، از دیگر پژوهش‌هایی است که قابل ملاحظه است. از جمله این مقالات عبارت‌اند از «تحلیل انتقادی گفتمان داستان مرگ بونصر مشکان بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف» نوشته ناصری و دیگران (۱۳۹۴)، «بررسی تقابل حقیقت و واقعیت در تاریخ بیهقی بر مبنای تحلیل گفتمان»، نوشته حسین پناهی (۱۳۹۰)، «تحلیل انتقادی گفتمان صوفیه» نوشته فقیه ملک مرزبان و فردوسی (۱۳۹۳) و «روند بازنمایی هویت خودی و درگیری در تاریخ بیهقی» نوشته بیات و یوسفی (۱۳۹۴) و «بررسی سطح فکری مکتوبات «عنبه الکتبه» (بررسی موردی موضوع، مخاطب و افراد واسطه در نامه‌های منتجب جوینی)» نوشته دلارام بغدادی و دیگران (۱۳۹۸).

با وجود تنوع و تعدد پژوهش‌ها در این حوزه، تا کنون مکتوبات جوینی با رویکرد کاربردگرا و رویکرد انتقادی فرکلاف و به گونه تطبیقی تحلیل نشده و از این روی پژوهش حاضر نمونه بدیعی در این زمینه است.

زبان و ادبیات

زبان و ادبیات هر دو موضوعی یگانه دارند که همانا هستی یا جهان است، اما به لحاظ رویکرد و نوع برخورد با آن، با یکدیگر متفاوت هستند. زبان برخورداردی تک‌نظامه با هستی

دارد، برخوردی صرفاً مبتنی بر نظام زبان (حق شناس، ۱۳۷۰: ۱۳) و همچون ابزاری برای کشف و شناخت عناصر سازنده هستی و روابط جاری میان آن‌ها به کار گرفته می‌شود (همان: ۱۶). به همین دلیل، انگاره‌های زبانی تطابق یک‌به‌یک با هستی دارند (همان: ۱۸). همچنین از آنجا که کار زبان انتقال پیام حاوی خبر است، این انگاره‌ها و تصاویر محتمل صدق و کذب نیز هستند (همان: ۱۶). ادبیات برخوردی ضرورتاً دونه‌نظامه با هستی دارد، برخوردی در محدوده نظام زبان و نظام ادبیات و هستی آن در گرو هستی هر دوی این نظام‌هاست. به این ترتیب که، نظام ادبیات و جهان خیالی بازآفریده آن از رهگذر نظام زبان عینیت می‌یابد و نبود هریک از این دو به معنای نابودی ادبیات و اثر ادبی است (همان: ۱۲).

ایدئولوژی، قدرت و هژمونی؛ مفاهیم بنیادین در تحلیل انتقادی گفتمان

زبان‌شناسی انتقادی معتقد است که همه متون در هر بافتی، حتماً از لحاظ ایدئولوژیکی اعم از ساخت ایدئولوژیکی "متون" و ساخت ایدئولوژیکی "زبان" می‌تواند به ساخت‌های اجتماعی و فرآیندهایی که سرچشمه اصلی متن خاص هستند، مربوط شوند (آقاگل‌زاده و دهقان، ۱۳۹۳: ۸).

ایدئولوژی در حالت منفی، ساز و کار مشروعیت بخشی به سلطه محسوب می‌شود و در حالت مثبت برای مشروعیت بخشیدن به مقاومت در برابر سلطه و نابرابری‌های اجتماعی به کار می‌رود (همان).

قدرت در تحلیل انتقادی گفتمان، به منزله چیزی است که در اختیار برخی هست و در دست برخی نیست. تحلیلگران انتقادی گفتمان، برداشتی از قدرت دارند و بر اساس آن جامعه به طبقاتی تقسیم می‌شود که در آن عده‌ای صاحب قدرت‌اند و بر دیگران حکم می‌رانند، وضعیتی که منتهی به ظلم و نابرابری در جامعه می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۳).

اگر یک گفتمان بتواند باورهایی ایجاد کند که بر اساس آن به طور غیر مستقیم اعمالشان را چنان کنترل کند که به بهترین وجه منافعش را تأمین نمایند، با موفقیت توانسته آن‌ها را از طریق گفتار و نوشتار فریب دهد. در این حالت اغلب، اصطلاح

"هژمونی" به کار می‌رود. این اصطلاح بر رهبری، اقتدار و سلطه یک گروه دلالت دارد؛ نه فقط از جنبه اقتصادی بلکه در تمام جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی نیز کاربرد دارد. قدرت هژمونیک، مردم را به انجام اعمالی وادار می‌کند که گویی این اعمال، طبیعی، عادی یا مبتنی بر توافق بوده است. هیچ فرمان درخواست یا حتی پیشنهاد نیز لازم نیست (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۵).

تحلیل گفتمان انتقادی

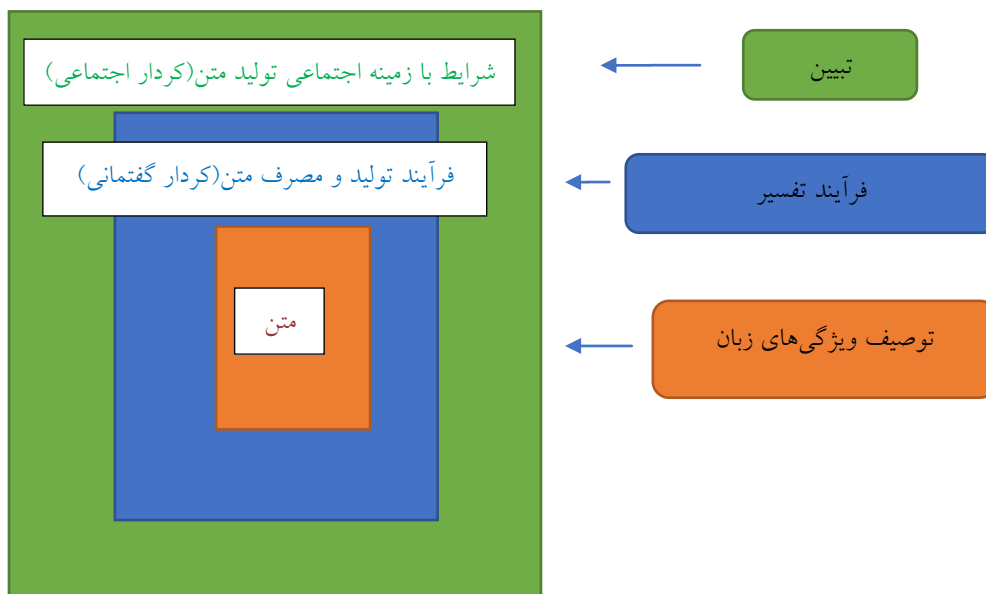
اندیشه در دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی همان سیالیت و انتقال معنی از متنی به متن دیگر، از گفتمانی به گفتمان دیگر و از رویدادی به رویداد دیگر است (Silverston, 1999:13).

تحلیل گفتمان انتقادی، مبتنی بر هستی‌شناسی اجتماعی و واقع‌گراست که هم رویدادهای عینی و ملموس اجتماعی و هم ساختارهای ذهنی اجتماعی را به مثابه بخشی از واقعیت اجتماعی در نظر می‌گیرد. چارچوب نظریه این تحقیق الگوی سه سطحی (لایه‌ای) نورمن فرکلاف است.

می‌توان گفت، تحلیل گفتمان انتقادی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که زبان را در ارتباط تنگاتنگ با جامعه و بافت غیرزبانی آن در نظر می‌گیرد و گرایشی است که از بطن جامعه‌شناسی جوانه زده است.

در تحلیل گفتمان انتقادی، علاوه بر اطلاعاتِ بافت موقعیتی (Situational Context) و غیر زبانی، اطلاعات سطوح بالاتر و انتزاعی‌تر، بافت تاریخی- فرهنگی، روابط و ساختار قدرت و جهان‌بینی در شکل‌گیری زبان دانسته می‌شود (آقاگل‌زاده و دهقان، ۱۳۹۳: ۳). همانگونه که زبان تحت تأثیر عوامل متعدد اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی قرار دارد، متن هم که از واژگان نشأت گرفته است، می‌تواند تحت تأثیر این عوامل باشد (همان: ۵).

فرکلاف اشاره دارد که از چشم انداز تحلیل گفتمان، ویژگی‌های صوری متن از یک سو به عنوان ردپاهای فرآیند تولید و از دیگر سو به عنوان سرنخ‌هایی در فرآیند تفسیر در نظر گرفته می‌شود (آقاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۱۰).



نمودار مدل تحلیل گفتمان انتقادی از نظر فرکلاف

الف. توصیف

توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن مانند واژگان، دستور و ساخت‌های متنی سر و کار دارد. تحلیلگر در ارتباط با واژگان و دستور باید به پرسش‌های مربوط به ارزش‌های تجربی، ارزش‌های رابطه‌ای و ارزش‌های بیانی متن و در بخش ساخت‌های متنی، به سؤالات مربوط به استفاده از قراردادهای تعاملی و ارتباط متن با ساخت‌های گسترده پاسخ گوید (فرکلاف، ۲۰۱۰: ۱۷۰).

ارزش تجربی، سرنخی از روشی را به دست می‌دهد که در آن تجربه تولیدکنندگان متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می‌شود. ارزش تجربی با محتوا، دانش و اعتقادات سر و کار دارد. ویژگی‌های صوری ارزش رابطه‌ای، سررشته‌ای از آن گونه روابط اجتماعی است که از طریق متن در گفتمان به مورد اجرا در می‌آید و با روابط اجتماعی سر و کار دارد. ویژگی‌های صوری ارزش بیانی، سرنخی از ارزشیابی تولیدکننده و بخشی از واقعیت که مرتبط با این ویژگی است را ارائه می‌دهند و با فاعل‌ها و هویت‌های

اجتماعی سر و کار دارد. فرکلاف تأکید می‌کند که هریک از ویژگی‌های صورتی ممکن است به طور همزمان واجد دو یا سه ارزش باشد (همان: ۱۷۱-۱۷۲). او میان این ارزش‌ها و سه جنبه عمل اجتماعی که ممکن است محدود شوند (مضامین، روابط و فاعلان) و تأثیرات ساختی آن‌ها (ارتباطات، مناسبات اجتماعی و هویت اجتماعی) را پیوند می‌زند و آن را به طور انتزاعی در قالب جدول زیر نشان می‌دهد (فرکلاف ۱۳۷۹: ۱۷۱).

ویژگی‌های صورتی: ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی

| ابعاد معنایی | ارزش‌های ویژگی‌ها | آثار ساختی |
|--------------|-------------------|------------------|
| محتواها | تجربی | دانش / اعتقادات |
| روابط | رابطه‌ای | رابطه اجتماعی |
| فاعل‌ها | بیانی | هویت‌های اجتماعی |

نمودار ویژگی‌های صورتی

تقلید خطابت سرخس (صفحه ۳۷-۳۸):

«اجلال و اعزاز ائمه و علما که خزانه علوم دین و حفظه قواعد شرع‌اند از

دوای ثبات دولت» (همان)

کلمات حاضر در این مکتوب دارای ارزش تجربی‌اند. انسجام در میان واژگان حاکی از این است که با متنی پویا مواجه هستیم که خواننده را وادار می‌سازد تا به لحاظ ایدئولوژیک پیوند میان واژگان را دریابد. از نظر محتوایی، در باور و اعتقاد مردمان، حاکمان و سلاطین عصر منتجب جوینی، ائمه و علمای دینی سبب سعادت ابدی برای مملکت‌اند و همواره همت را بر تمهید امور دینی گمارده‌اند تا نظم و انضباط ملک دنیا فراهم گردد.

فرآیند پذیرش عوام و خواص از این منشور و فرمان، همان‌هایی هستند که صریح بیان شده‌اند و گنشگر مشخص شده است که همانا خطابت بقعه‌ای مبارک و تدریس و تذکیر بر منابر مسجد جامع سرخس به اسم و رسم ضیاءالدین است. جملات معلوم هستند و از لحاظ دستوری با وجهی خبری آغاز شده و با وجهی امری پایان می‌پذیرد. در این گفتمان، گستردگی بسیاری وجود دارد و می‌توان گفت که گفتمان منتجب

جوینی، امتداد حقیقی زبان است و یک رویداد کامل از زبان که شروع و پایانی ملموس و عینی دارد و بی‌واسطه بر حادثه‌های زبانی احاطه دارد که شامل خودِ متن و شرکت‌کننده است.

شخصیت‌ها و شرکت‌کنندگان در این مکتوب، زاده واقعیت هستند و از عملکرد آن‌ها و هر آنچه باید بدان عمل کنند، سخن به میان می‌آید. چنانکه در سطر ۱۶ می‌نویسد:

ضیاءالدین باید در ارشاد و هدایت مسلمانان و تنبیه و ارشاد ایشان به مواعظ و زواجر و تحریض هر آنچه مورث و معقب فوز و نجات باشد توفیق یابد(همان: ۳۸).

در منشور و فرمان‌ها نمی‌توان به درون کاراکترها و شخصیت‌ها راه پیدا کرد تنها با گفتن و شرح، می‌توان شهامت و دلیری یا دیگر خصایص آن‌ها را نمایان ساخت. به قول فورستر انسان دارای دو بعد است. بُعدی که فراخور تاریخ است و بُعدی که شایسته متن است(جهان‌دیده، ۱۳۷۸: ۱۶۱).

معنا در این مکتوب هم انعطاف‌پذیر است و هم معین. هرچند محدودیت‌هایی وجود دارد که گاهی معنای ضمنی آن واژه نمی‌تواند فراتر از آن‌ها گسترش یابد. باید افزود که هسته یا معنای پیش‌نمونه در مرکز آن (واژه) قرار دارد و بافت همچون پنجره‌ای عمل می‌کند که نشان می‌دهد کدام‌یک از آن‌ها همه معنایش در کاربردی خاص فعال است و گفتمان موجود را برجسته می‌سازد. باید دانست که معنا بر اثر تعامل این دامنه معنایی و یک بافت برانگیخته می‌شود(جوزف سوئین، ۱۹۹۷: ۴۵).

تفویض قضاء گلپایگان(صفحه ۴۵):

«قضاء و حکومت بزرگ‌تر شغلی است از اشغال دینی و نازک‌تر عملی است از اعمال شرعی و ترتیب آن کردن و تیمار داشت آن»(همان)

در مکتوب حاضر واژگان در قالب یک کل، به شکل شبکه بزرگی از روابط هستند که شبکه‌های دیگری درون آن‌ها می‌باشد که می‌توانند به صورت مجزا و جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. در مبحث توصیف از نگاه فرکلاف، ساخت‌های متنی و ویژگی‌های صوری و دستوری مطالعه می‌شوند.

در این متن منتجب با وجهی خبری آغاز می‌شود و با وجه امری پایان می‌پذیرد که بیان‌کننده فرمانی خاص است. در واقع به بیان واگذاری قضاء گلپایگان اشاره می‌کند که قرار است به قاضی / امام اجل مجدالدین تفویض بشود. سرل معتقد است که وجه، جنبه‌ای از دستور زبان است و می‌تواند جمله‌های زبان را به گونه‌ای یک‌دست مورد بررسی قرار دهد (سرل، ۱۹۷۹: ۲۲). در اینجا کلمات ارزش تجربی دارند و به لحاظ ایدئولوژیک روابط معنایی و هم‌معنایی بسیاری در متن مشهود است. فرآیندها و مشارکین در متن مسلط هستند و در واقع همان‌هایی هستند که به صراحت بیان شده‌اند. از جمله:

«امام مجدالدین محمد در ورع و علم از اقران خویش ممیزست و همتا ندارد و بخصال حمیده متحلی و موصوف است» (همان).

فرآیند مادی بر انجام کاری و روی‌دادن حالتی اشاره دارد که همانا واگذاری قضاء گلپایگان است. جملات در اینجا نیز آغاز و پایانی ملموس و عینی دارند و با وجهی خبری آغاز می‌شوند و با وجهی امری پایان می‌پذیرند. این بدان معناست که منتجب دیدگاهی واقع‌گرایانه اتخاذ کرده و دست به‌گزینش واژگانی می‌زند. همچنین در این متن می‌توان برداشتی نظام‌مند و یکپارچه درباره جنبه‌های خاص واژگان و گزینش‌های کلامی، زبانی که مشارکین صورت می‌دهند، ارائه کرد (مالمکی یر، ۱۹۹۱: ۶۰). معنا در این منشور و فرمان، برآیندی از هم‌کنش‌ها و پارامترهای مختلفی است که بخشی از آن درون متن، بخشی ناشی از بیناکنش تولیدکننده که همانا منتجب جوینی است و بخشی را خوانش‌گر متن دانست که همانا مخاطب این امثله می‌باشد و بخشی نیز متأثر از شرایط اجتماعی فرهنگی است. باید افزود که هیچ‌کدام را نمی‌توان به راحتی از دیگری جدا کرد یعنی معنا فرآورده فرآیند پیوندها یا رابطه‌هاست که در میان دو محور هم‌نشینی و جان‌نشینی میان سازه‌های مختلف برقرار می‌شود (ساسانی، ۱۳۸۹: ۶۲).

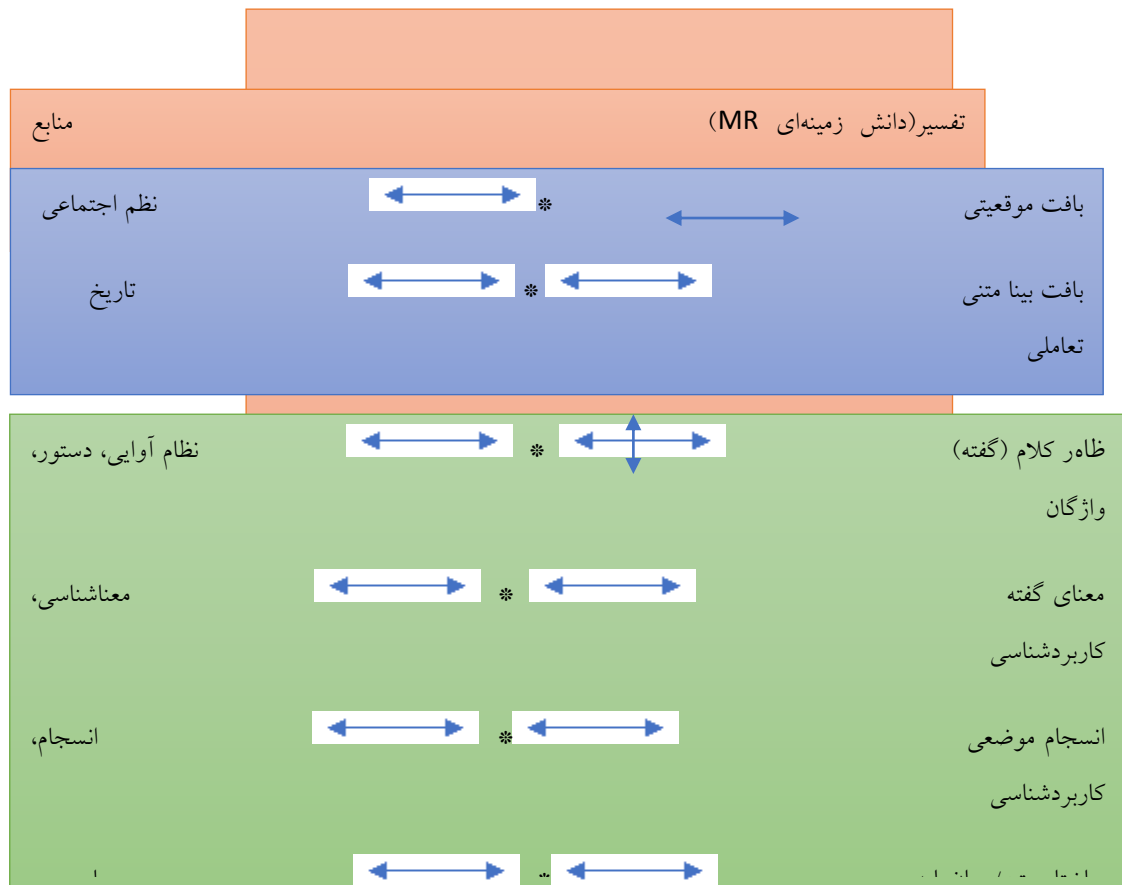
ب. تفسیر

به نظر فرکلاف، از طریق ویژگی‌های صوری متن نمی‌توان به طور مستقیم به تأثیرات ساختاری این ویژگی‌ها بر شالوده جامعه دست یافت زیرا رابطه متن و ساختارهای

اجتماعی، رابطه‌ای غیرمستقیم است. اینجاست که ضرورت تفسیر مطرح می‌شود تا متن بر اساس مفروضات عقل سلیم که به ویژگی‌های متن ارزش می‌دهند، تولید و تفسیر شوند. او اشاره دارد که از چشم انداز تحلیل گفتمان، ویژگی‌های صوری متن از یک سو به عنوان رد پاهای فرآیند تولید و از دیگر سو به عنوان سرنخ‌هایی در فرآیند تفسیر در نظر گرفته می‌شود (آقاگل زاده، ۱۳۸۶: ۵۰).

تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. از نظر مفسر، ویژگی ظاهری متن در حقیقت به منزله سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و محصول ارتباط دیالکتیک این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای، مفسر خواهد بود. البته باید توجه داشت که اصطلاح "دانش زمینه‌ای" نباید مانع از آن شود تا جنبه‌های ایدئولوژیک پیش‌فرض‌های عقل سلیم را فراموش کنیم (همان: ۲۱۵). فرکلاف در نمودار زیر نشان می‌دهد که مفسران چگونه بافت موقعیتی را تفسیر می‌کنند و چگونه این تفسیر، نوع گفتمان مربوط را مشخص می‌کند (فرکلاف، ۲۰۰۱: ۱۲۵).

باید افزود که فرکلاف، شش قلمرو عمده تفسیر را به دو بخش بافت متن و خود متن تقسیم می‌کند. در قلمرو بخش بالایی طرح، به تفسیر بافت متن و قلمروهای زیرین به چهار سطح تفسیر متن مربوط می‌شود. در سمت چپ نمودار، منابع اصلی دانش زمینه‌ای که به عنوان شیوه‌های تفسیر عمل می‌کنند، قرار داده شده است. هر عنصر دانش زمینه‌ای، به طور مشخص با آن سطح از تفسیر که در همان سطر عنوان شده است، ارتباط دارد (محسنی، ۱۳۹۱: ۷۹).



نمودار قلمروهای تفسیر و ارتباط میان آنها

تفویض ریاست بسطام (صفحه ۵۵):

«مرتب گردانیدن مهمات دیوان و ملتئم داشتن احوال رعایا از مصالح دین و دولست و چون به هر وقت بسمع ما می‌رسیده است» (همان).

در این مکتوب دو فرمان صادر می‌شود: ۱- تفویض ریاست بسطام به اجل شرف الدین ۲- انتصاب نیابت ریاست و استیفا بسطام به امین رشیدالدین که هردوی این شغل‌ها به او واگذار شده است. باید اشاره کرد که فهم این متن یک فرآیند زبانی است که با تفسیر عجین است. گاد/مر تفسیر و فهم را دو چیز متفاوت نمی‌بیند. به باور او، فهمیدن یک متن "همواره به معنای انطباق آن با خودِ ما" است (گادامر، ۱۹۸۹: ۲۲۵). البته باید افزود که ما برای رسیدن به تعبیرات کلام جوینی، از دانش قبلی (دانش

پس زمینه‌ای) استفاده می‌کنیم یعنی سراغ اطلاعات متنی می‌رویم تا از طریق اشاره‌های ضمنی به قلمروهای زیرین کلام برسیم.

حال در تحلیل فرآیندهای شناختی شرکت‌کنندگان (شرف‌الدین - امین شرف‌الدین) و تعاملات میان آن‌ها (اولی در سمت ریاست بسطام و دیگری در سمت نایب ریاست و استیفاء بسطام) قلمروهای تفسیر حایز اهمیت هستند. تفسیر زمینه متن مانند زمینه‌های بینامتنی بر آگاهی‌های پیشین استوارند مانند نظم‌های اجتماعی حاکم در عصر نویسنده که همانا عصر سلجوقیان را در بر دارد و همچنین با کنش متقابل تاریخی منطبق می‌باشد. بنابراین پرسش‌هایی مطرح می‌شود: در بافت یا زمینه؛ تفسیر مشارکین گفتمان از بافت موقعیت و بینامتنی چیست؟ و اینکه گفتمان حاکم از چه نوعی است؟ در پاسخ باید به نکاتی چند اشاره کرد: همانطور که گفته شد؛ تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. هر متن ادبی بر خلاف بیش‌تر متون دیگر، عمدتاً خود، بافت خویش را می‌آفرینند و بیش از آنکه محیط بر متن تعیین ببخشد، خود متن است که محیطش را تعیین می‌بخشد (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۸۵).

در این گفتمان، متن به خودی خود بیانگر روابط قدرت و سلطه و ایدئولوژی‌های نهفته در پیش‌فرض‌های یاد شده است. با بررسی متن می‌توان به این نکته دست یافت که روابط قدرت و ایدئولوژی نهفته در لایه‌های متن نیز مشهود است. در مبحث تفسیر بر طبق آرای فرکلاف، می‌توانیم از طریق بافت و زمینه موقعیتی، رهیافتی از شرایط اجتماعی و سیاسی آن عصر را درک کرد بنابراین گفتمان وی، گفتمان امر، قدرت و فرمان است.

با توجه به آرای فرکلاف درباره ایدئولوژی، دو دیدگاه مطرح می‌شود: ۱- دیدگاه‌های "توصیفی" که ایدئولوژی را موضع‌گیری‌ها، نگرش‌ها، باورها و دیدگاه‌های گروه‌های اجتماعی می‌دانند بدون آنکه به روابط قدرت و استیلای میان گروه‌ها اشاره کند؛ مانند عقاید و دیدگاه‌های طبقات مختلف اجتماعی و گفتمان حاکم در آن. در این منشور و فرمان، نگرش و باور آن‌ها به اطاعت و گردن نهادن به فردی است که به ریاست بسطام تفویض شده است و اشخاص از همه جوانب حکم و فرمان را به انقیاد و امتثال باید مقابل گردانند. ۲- باز نمایی جنبه‌هایی از جهان که به شکل‌گیری، حفظ و تغییر روابط

اجتماعی قدرت، استیلا و استثمار کمک می‌کند. این بازنمایی ایدئولوژیک را می‌توان در متن‌ها بازشناخت (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۹). بنابراین او ایدئولوژی را دانش و شناخت اجتماعی در نظر می‌گیرد. خود فرکلاف، قدرت را سلطه/ هژمونی می‌داند که باعث برجسته شدن پیروزی از طریق اعمال قدرت می‌شود (ساسانی، ۱۳۸۹: ۸۵). برای آنکه بتوان به درک عمیقی از متن رسید باید به دو مطلب اشاره داشت: ایدئولوژی و جهان بینی نویسنده؛ که خود منبعث از شناخت‌شناسی یا معرفت‌شناسی است. حال باید گفت که شناخت نیز متکی به ابزارهایی خاص مانند: حس، تجربه، عقل و دل است. بنابراین مسأله اصلی در این متن در چگونگی تولید و درک متن است (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۳). نویسنده به خوبی آگاه است که چه می‌نویسد در نتیجه با درک عمیقی دست به گزینش و چینش کلمات می‌زند. جوینی هم به عناصر زبانی (متنی) و برون زبانی (موقعیتی، فرهنگی و...) توجه وافر دارد که البته این دو با هم در تعامل اند. برون در تعریف گفتمان نکته‌ای دارد که بر طبق آن نمی‌توان به توصیف صورت‌های زبانی، جدای از اهداف و نقش‌هایی که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آورده‌اند، پرداخت (براون و یول، ۱۹۸۳: ۱).

ج. تبیین

تبیین، مرحله‌ای است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد؛ اینکه چگونه فرآیندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند. در این سطح، به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان، برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و قراردادهای و دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد.

هدف از تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. تبیین، با توصیف گفتمان به عنوان کنشی اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌کنند. در مقابل، گفتمان‌ها در بازتولید و تغییر آن ساختارها چه تأثیراتی دارند؟ دانش زمینه‌ای، واسطه تعیین اجتماعی و این تأثیرات است. به این معنا که ساختارهای اجتماعی به دانشی زمینه‌ای، شکل می‌دهند و دانش

زمینه‌ای به نوبه خود شکل‌دهنده گفتمان‌هاست و گفتمان‌ها هم با حفظ یا تغییر این دانش زمینه‌ای تأثیراتی بر ساختارها می‌گذارند. منظور فرکلاف از "ساختارهای اجتماعی"، مناسبات قدرت است و هدف از فرآیندها و اعمال اجتماعی، فرآیندها و اعمال مربوط به مبارزه اجتماعی است. بنابراین تبیین عبارت است از "دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت" (همان: ۲۴۵).

تقلید قضاء نیشابور (صفحه ۵۷):

«محل و رتبت و کمال فضل و وفور زهد قاضی القضاة امام اجل اوحد زاهد

برهان الدین ادام الله تاییده از آن ظاهرتر است» (همان)

نوع روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل‌گیری یک گفتمان خاص تأثیر دارد. حال سخن از روی کار آمدن قاضی القضاة امام اجل / اوحد زاهد برهان الدین است. او همان کسی است که مدتی به گفته جوینی «اختیار چنان کرده بود که از جهت او در امور شرعی و احکام دیوان قضاء نیشابور خوضی نرود و طریق عزلت سپرد». و اکنون بر طبق این منشور و فرمان باید به شغل قضاء بازگردد و اعمال آن تقلد کند. بنابراین به خوبی مبرهن و آشکار است که گفتمان حاکم، در خدمت روابط قدرت موجود است.

باید افزود که از نظر فرکلاف؛ متون، فضاهای اجتماعی هستند که در آن‌ها دو فرایند اجتماعی "شناخت و بازنمایی جهان" و "تعامل اجتماعی" به طور هم‌زمان روی می‌دهند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۲). بنابراین ما با بررسی بیش‌تر این متن، تعاملات اجتماعی را می‌بینیم که جایگاه شناخت از جهان درونی و بیرونی حاکم در عصر نویسنده را فراهم می‌آورد.

در این مکتوب، ایدئولوژی و قدرت در رویدادهای سیاسی و اجتماعی، کنش گفتمانی معمول را به صحنه مبارزه اجتماعی تبدیل می‌کند. توانایی گزینش نواب از سمت قضاء نیشابور از دیگر نشانه‌های قدرت موجود است. حال باید گامی فراتر از متن نهاد تا بتوان دریافت که منتجب، با زدن پلی میان درون و برون، سعی در ایجاد تعادل بین این دو را دارد. درست همان زمان که او به معناپردازی مشغول است، قدرت در کلام و البته در

ساختار اندیشه وی مشهود است. باید تأکید کنیم که در هر ارتباطی یا رخدادی گفتمانی، با فرایند شکل‌گیری معنا و خوانش معنا روبه‌رویییم نه خود معنا به شکل ایستا، تثبیت شده، تمام شده و از پیش تعیین چه جایگاه آن را ذهن نویسنده بدانیم، چه واژگان زبان، چه کل جامعه زبانی. باید افزود این معناسازی و معناخوانی و به عبارتی معناپردازی میان کسی یا کسانی شکل می‌گیرد که چیزی را در شرایط و موقعیت فیزیکی، روانی، اجتماعی یا سیاسی خاصی تولید می‌کنند (ساسانی، ۱۳۹۸: ۶). باید اشاره کرد که جوینی، جمله را داده اصلی زبان و نیز ابزار اجتماعی بسیار مهمی می‌داند. از این رو، زبان را پدیده ویژه رفتاری در نظر گرفته است نه نشانه‌ای در برابر فکر. علاوه بر این، معنی هر گفتار را بر پایه مجموعه‌ای از شرایط و نیز چگونگی تأثیر بر آن‌ها توصیف کرده است. *مالینوفسکی* معتقد بود که معنی هر گفتار تنها در بافت موقعیت آن مشخص می‌شود و بنابراین معنی را با کاربرد برابر می‌داند (francs dentin, 1976: 300).

تفویض شحنگی جوین (صفحه ۶۰-۶۱)

«آسوده داشتن رعایا و بر احوال ایشان شفقت نمودن و ترتیب مصالح ایشان فرمودن و سایه عدل بر ایشان گسترانیدن و از معرفت جور و عدوان مصون و محروس گردانیدن» (همان)

در ساختار اجتماعی حاکم در عصر منتجب، آسودگی رعایا و مرفه گردانیدن آن‌ها و اینکه آن‌ها را از قصد و زیان مجتازان و لشکریان و راهزن‌ها نگاه دارد، بسیار وجود دارد. نویسنده با شرح کامل، شحنه را فردی می‌داند که به قول خودش آن زمان که به *سیف‌الدین* این مقام را می‌دهد می‌گوید: «سیف‌الدین در ملابست این شغل باید که قوی‌دل باشد و شرایط آن به وجود آورد و بر احترام و اکرام اهل بیوتات و ائمه و علماء و عباد و قضاء و صلحاء آن ناحیت که منشأ و مسکن این طبقاتست رعایت دارد و هیچ کار دیوانی بی‌مشورت و اتفاق این طبقه که از مشاهیراند نگذارد» (همان: ۶۱). بنابراین می‌توان به چند نتیجه دست یافت:

۱- گفتمان حاکم در خدمت روابط قدرت موجود است.

۲- برجستگی ساختارهای این اجتماع که بر هم تأثیر متقابل دارند آشکار است. درست است که سیف/الدین به شحنگی جوین انتصاب یافته است اما باید که جانب مشورت با بزرگان طبقات مختلف سیاسی و اجتماعی را نگاه دارد و حمایت کند.

۳- منتجب در این مکتوب می‌نویسد: «فرمان چنانست که کدخدایی دیوان شحنگی بر ثقة‌الدین دام تمکینه که پیش ازین نیابت سیف الدین داشتست و رعایا از وی شاکر بودند و بکفایت و سداد طریقت موسومست مقرر دارد و او را محترم و ممکن گرداند» (همان). با تمام اختیاراتی که در آن عصر برای دیوان شحنگی قایل بودند، اما در آن هنگام که در منشوری ذکر می‌شد و سیمتی بر فردی واگذار می‌شد، همگان موظف به ترتیب و انجام آن بودند. این مطلب حاکی از قدرت و سلطه است و اینکه ساختار اجتماعی و نهادی در متن حاضر، روابط تنگاتنگی با یکدیگر دارند یعنی روابطی مشخص‌تر و پیش‌بینی‌تر را داریم. پیوند میان سازه‌های مختلف بیانگر شکل تشبیت شده قدرت در ساختار متن است. در اینجا ساختار اطلاعات سازمان یافته‌ای را داریم که می‌توان آن را تحت عنوان "طرحواره‌ای" در نظر گرفت یا بر پایه پیش تجربه‌ها و دانسته‌ها و انتظارات نویسنده دانست که در موقعیتی خاص پیش می‌آید.

باید به این نکته اشاره کرد که معنا چه درون زبانی و در سطح واژه و جمله در نظر گرفته شود، چه در ارتباط زبان با بیرون از خود- بافت موقعیتی، سازنده متن، تفسیرکننده متن و یا بافت کلان اجتماعی و فرهنگی- به هر تقدیر هنگامی که در یک رخداد زبانی یا به تعبیری در گفتمانی خاص مورد استفاده قرار گیرد، به نوعی "مشخص" است.

نتیجه بحث

ارتباط زبان و اندیشه و انتقال تجربه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و غیره در قالب زبان مجموعه نظام‌مندی از ابعاد ارتباطی را شکل می‌دهد. این وجوه در قالب تحلیل گفتمان می‌تواند با کشف روابط میان اجزا، ساختار و کارکرد مؤثر آن‌ها، کیفیت انتقال پیام را نیز نشان دهد. در این راستا بافت و عوامل خارج از متن در انتقال معنای واحدهای زبانی و خلق رابطه‌های معنایی نقش اساسی دارد. تجزیه و تحلیل صورت‌های

زبانی، اهداف و کارکردهای آن‌ها بر اساس آرای فرکلاف و نظریه تحلیل گفتمان در کنار آشکار کردن آرایش متنی، عناصر زبانی روابط قدرت را نیز نمایان می‌سازد. از این دید، ویژگی‌های صوری متن علاوه بر نشانه‌های فرآیند تولید، سرخ‌هایی از فرآیند تفسیر نیز به دست می‌دهد. بنابراین بررسی معنایی اجتماعی و ایدئولوژیک نشان‌دار در متن کتاب «عُتْبَةُ الْكُتْبَةِ»، به خصوص در قالب نامه‌هایی که نویسنده متناسب با موقعیت اجتماعی و سیاسی خود نوشته است، در کنار تبیین معنا و بافت تولید آن توانسته است نحوه شکل‌گیری سبک دوره و خود نویسنده را برجسته کند.

در مکاتیب و ترسلات بررسی شده، به دلیل ارتباط نزدیک زبان و ساختارهای اجتماعی و تأثر متن از روابط اجتماعی، ابعاد گفتمانی حاکم که در خدمت سلطه و قدرت موجود است، بسیار برجسته است. در این متن علاوه بر تأثیر روابط قدرت، گزینش‌های زبانی خاص که مختص سبک این دوره است، در فرآیند تولید معنا متمایز می‌شود. روابط بیرونی و درونی ساختار زبانی در کتاب «عُتْبَةُ الْكُتْبَةِ» منتج جوینی نشان می‌دهد که روابط اجتماعی و قدرت ایدئولوژیکی بر گزینش‌های زبانی مؤثر است و رخداد زبانی بخشی از عمل اجتماعی به حساب می‌آید. در سطح توصیف که ویژگی‌های صوری واژگانی، بررسی شده است؛ انسجام در میان واژگان حاکی از این است که با متنی پویا مواجهیم که خواننده را وادار می‌سازد تا به لحاظ ایدئولوژیک پیوند میان واژگان را دریابد. در این گفتمان، گستردگی بسیاری وجود دارد و می‌توان گفت که گفتمان منتج جوینی، امتداد حقیقی زبان است و یک رویداد کامل از زبان که شروع و پایانی ملموس و عینی دارد و بی‌واسطه بر حادثه‌های زبانی احاطه دارد که شامل خودِ متن و شرکت‌کننده است. شخصیت‌ها و شرکت‌کنندگان در این مکتوب، زاده واقعیت هستند و از عملکرد آن‌ها و هر آنچه باید بدان عمل کنند، سخن به میان می‌آید.

در قلمرو تفسیر، به تحلیل فرآیندهای شناختی شرکت‌کنندگان و روابط بین آن‌ها در زمینه متن پرداخته شده است. در این گفتمان، کتاب منتج جوینی به خودی خود بیانگر روابط قدرت و سلطه و ایدئولوژی‌های نهفته در پیش‌فرض‌های یاد شده است. با بررسی متن می‌توان به این نکته دست یافت که روابط قدرت و ایدئولوژی نهفته در لایه‌های متن نیز مشهود است. در سطح تبیین نیز ارتباط رویدادهای اجتماعی با

ساختارهای اجتماعی که بر هم تأثیر متقابل دارند بیانگر نقش انسجام‌دهنده و تسهیل‌کننده آنها در مناسبات اجتماعی و نهادی عصر منتجب است و در عین حال به عنوان کاتالیزور در تجزیه و تحلیل متن برجسته است. می‌توان گفت منتجب جوینی با تکیه بر هستی‌شناسی اجتماعی، دیدگاهی واقع‌گرایانه اتخاذ کرده است. در واقع او هم رویدادهای عینی و ملموس اجتماعی و هم ساختارهای ذهنی اجتماعی را به مثابه بخشی از واقعیت اجتماعی در نظر گرفته است.

کتابنامه

- آقا گل زاده، فردوس. ۱۳۹۰ش، **تحلیل گفتمان انتقادی**، تهران: علمی و فرهنگی.
- جوینی، منتجب‌الدین. ۱۳۲۹ش، **عتبة الکتبة**، به تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران: شرکت سهامی چاپ اساطیر.
- جهانپنده، سینا. ۱۳۷۸ش، **متن در غیاب استعاره**، تهران: چوبک.
- حق شناس، علی محمد. ۱۳۸۲ش، **زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته (مجموعه مقالات)**، تهران: آگه.
- ساسانی، فرهاد. ۱۳۸۹ش، **معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی**، تهران: علم.
- فرکلاف، نورمن. ۱۳۷۹ش، **تحلیل گفتمان انتقادی**، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی. ۱۳۷۶ش، **به سوی زبان‌شناسی شعر، رهیافتی نقش‌گرا**، تهران: نشر مرکز.

کتب انگلیسی

- Dennis .F.P (1976).introduction to genrral linguistics .new York:holt Rinehart.
- fairclough N(2001). The discarse of new labour:critical discourse analysis inwetherell and et al(ede). Discourse data: aguid for analysis.longman.sag.
- fairclough N(2010).critical discourse analysis:the critical study of language(second ed).uk: longman.
- Gadamer.e(1989).linguistics .language and verbal art.oxford:university press.
- Searle, J.R.(1979) speech acts: an essay in the philosophy of language.cambridge:university press.
- Silverstone, R.(1999).why study the media? London.sage.
- Sweeney Joseph (1997).a survey of atrutreal .linguistics.harmondsworth: penguin books.

مقالات

- آقا گل زاده، فردوس و مریم غیاثیان. ۱۳۸۶ش، «**تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات**»، زبان و زبان‌شناسی، دوره ۱، شماره ۲۷، صص ۱-۱۷.
- آقا گل زاده، فردوس و مسعود دهقان. ۱۳۹۳ش، «**تحلیل شیوه‌های باز نمایی گزینش خبر بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی**»، ماهنامه جستارهای زبانی، جلد ۵، شماره ۴، صص ۱۶-۱.
- آقا گل زاده، فردوس. ۱۳۸۶ش، «**رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی**»، فصلنامه ادب پژوهشی، دوره ۳، شماره ۵، صص ۳۹-۵۴.

باقری، بهادر و مژگان دیباج. ۱۳۹۸ش، «نقد تطبیقی سه سفرنامه معاصر ایران در سطح توصیف زبانی از الگوی فرکلاف»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال سیزدهم، شماره ۵۲، صص ۹-۳۵.

حسنزاده، رضا. ۱۳۷۸ش، «تحلیل گفتمان، پرورش و کاربست آن در ساختار(تئو ابی وان دایک)»، تهران، پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیمای جمهوری اسلامی، شماره ۳، صص ۳۰-۴۵.

محسنی، محمد جواد. ۱۳۹۱ش، «نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف»، معرفت فرهنگ اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۸۶-۶۳.

Bibliography

Agha Golzadeh, Ferdows, (2011), Critical Discourse Analysis, Tehran, Scientific and Cultural. Sasani, Farhad, (2010), Meaning Mining: Towards Social Semiotics, Tehran, Elm.

Jovini, Mantebaldin, (1329), Etaba al-Katabah, edited by Mohammad Qazvini and Abbas Iqbal, Asatir Printing Company.

Jahandideh, Sina, (1999), Text in the Absence of Metaphor, Tehran, Chubak.

Haghshenas, Ali Mohammad, (2003), Persian language and literature in the passage of tradition and modernity (collection of articles), Tehran, Agah.

Fairclough, Norman, (2000), Critical Discourse Analysis, translated by Fatemeh Shayesteh Piran et al., Tehran, Center for Media Studies and Research.

Mohajer, Mehran; Nabavi, Mohammad, (1997), Towards Poetry Linguistics, a Role-Oriented Approach, Tehran, Markaz Publishing.

Dennis .F.P (1976).introduction to genrral linguistics. new York:holt Rinehart.

fairclough N(2001). The discarse of new labour:critical discourse analysis inwetherell and et al(ede). Discourse data: aguid for analysis.longman.sag.

fairclough N (2010).critical discourse analysis:the critical study of language(second ed).uk: longman.

Gadamer.e(1989).linguistics .language and verbal art.oxford:university press.

Searle J.R.(1979) speech acts: an essay in the philosophy of language.cambridge:university press.

Silverstone .R.(1999).why study the media? London.sage.

Sweeney Joseph (1997).a survey of atrutreal .linguistics.harmondsworth :penguin books.

Articles

Agha Golzadeh, Ferdows; Dehghan, Massoud, (2014), Article "Analysis of News Selection Representation Methods Based on the Critical Discourse Analysis Approach", Linguistic Research Monthly, Volume 5, Number 4, 16-1.

Agha Golzadeh, Ferdows; Ghiasian, Maryam, (2007), "Analysis of Critical Discourse and Literature", Language and Linguistics, Volume 1, No. 1, 27-17.

Agha Golzadeh, Ferdows, (2007), "Dominant Approaches in Critical Discourse Analysis", Journal of Research Literature, Volume 3, Number 5, 54-39.

Hassanzadeh, Reza, (1999), Article "Analysis of discourse, cultivation and its application in structure" (Theo Abby and Ann Dyke), Tehran, Research of the Political Deputy of the Islamic Republic Broadcasting, No. 3, 30-30.

Mohseni, Mohammad Javad, (2012), "Theory and Method of Analysis of Fairclough Discourse, Knowledge of Social Culture", Third Year, No. 11, 86-63.

Bagheri, Bahador; Dibaj, Mojgan, (2019), "Comparative Critique of Three Contemporary Iranian Travelogues at the Level of Linguistic Description of the Fairclough Model", Comparative Literature Studies, Vol. 13, No. 52, 9-35.

Analysis of the written discourse of Ataba al-Kataba with a pragmatic approach based on Fairclough theory

Reza Heidari Nouri: Faculty Member of Islamic Azad University, Saveh Branch (Professor)

hamzeh.ghaffari@yahoo.com

Delaram Baghdadi: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Saveh Branch of Azad University, Saveh, Iran

delaram.baghdadi@gmail.com

Abstract

This article is an analysis based on Norman Fairclough's theory in the Ataba Al-Kataba with a pragmatic approach that examines and analyzes linguistic forms, their purposes and functions based on Fairclough's views. The theoretical basis of the research is in the framework of a three-level (layered) model of description, interpretation and explanation. The dimensions of discourse are very prominent in "Schools and Letters of Ataba al-Katabah" due to the close connection between language and social structures and the influence of the text on social relations. In this text, in addition to the effect of power relations, specific language choices that are specific to the style of this period are distinguished in the process of meaning production. The purpose of this study is to show the type and style of twentieth century discourse and to show the power of the author (Montajeb Jovini) in the form of his discourse. The different view on introduction and analysis of Ataba Al-Kataba is another goal of this study. This research has been conducted by descriptive-analytical method and it is examined by qualitative content analysis method and citing the text of the letters and mentioning the evidence of the example.

Keywords: Stylistics, Discourse Analysis, Ideology, Description, Interpretation, Explanation.